

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Explaining Experts' Values of Iran's Architectural Design Society
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین ارزش‌های خبرگان جامعه طراحی معماری ایران*

کیومرث سیفی^۱، غلامرضا طلپسچی^{۲*}، امید دژدار^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

۲. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۷

چکیده

بیان مسئله: یکی از مباحث اصلی در حوزه روانشناسی اجتماعی مطالعه در خصوص ارزش‌هاست. پرداختن به «ارزش به‌عنوان عامل هدایتگر رفتار» اصلی بنیادی در این حوزه است که سابقه‌ای نزدیک به یک قرن دارد. مطالعه درباره ارزش‌ها و تأثیر آن بر رفتار به حوزه‌های دیگر نیز وارد شده که یکی از این حوزه‌ها معماری است. اگرچه در حوزه معماری «طراحی به‌مثابه عملی تأملی» از دهه ۱۹۷۰ میلادی نماینده این دیدگاه است، اما تا کنون بحث ارزش‌ها در معماری ایران مورد مطالعه قرار نگرفته است. در این راستا این پژوهش به دنبال شناسایی ارزش‌های خبرگان در جامعه طراحی معماری ایران، منشأیابی این ارزش‌ها و چگونگی پارادایم ارزشی غالب در این جامعه است.

هدف پژوهش: آشکارکردن الگوی مسلط ارزشی و چارچوب فکری و عملی خبرگان طراحی جامعه معماری ایران است. در واقع این مقاله به دنبال وضوح‌بخشیدن و آشکارکردن ارزش‌ها، منشأ ارزش‌ها و نحوه اندیشه و عمل، منطبق بر ارزش‌های طراحان خبره در جامعه مذکور است.

روش پژوهش: این پژوهش کیفی، به روش میدانی با ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، داده‌ها را جمع‌آوری کرده و با روش نظریه داده‌بنیاد آنها را تحلیل کرده است، در این زمینه از نرم‌افزار «مکس کیودا ۲۰۱۸» استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد «نوآوری» اصلی‌ترین ارزش طراحان خبره است و پس از آن «ارزش‌های زیست‌محیطی، تاریخی و سنتی و ارزش‌های اجتماعی» نزد این طراحان اهمیت دارد. نمود خلاصه‌شده مجموعه این ارزش‌ها را می‌توان با عبارت «آینده‌نگری زمینه‌گرا» در قالب پارادایمی معرفی کرد. این ارزش‌ها تحت تأثیر «تلاش شخصی»، «دانشگاه» و فعالیت در «حرفه»، در اندیشه طراحان شکل گرفته است و طراحان بیشتر از رضایت بهره‌برداران و عام مردم، به دنبال «مقبولیت نزد نخبگان» هستند.

واژگان کلیدی: ارزش، ارزش در معماری، ارزش‌های طراح، خبرگان جامعه معماری، نوآوری، آینده‌نگری زمینه‌گرا.

* «هنر و معماری» دانشگاه «آزاد اسلامی واحد همدان» در سال ۱۳۹۹ ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۸۱۵۳۵۸۷، talischi_g@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «کیومرث سیفی» با عنوان «تبیین ارزش‌های خبرگان جامعه طراحی معماری ایران» است که به راهنمایی دکتر «غلامرضا طلپسچی» و راهنمایی دوم دکتر «امید دژدار» در دانشکده

مقدمه

واژه ارزش از «valere» به معنای قوی بودن، چیره بودن و ارزشمند بودن مشتق شده است (Meinert, 1980). ارزش‌ها اهداف، ترجیحات و انگیزه‌هایی مانند امنیت، استقلال، موفقیت و مهربانی هستند که افراد برای دستیابی به آنها تلاش می‌کنند. ارزش‌ها زندگی افراد را جهت می‌دهند، برای افراد اهمیت دارند و افراد به آن می‌اندیشند.

هر فرد دارای تعداد محدودی از ارزش‌های فردی اولویت‌بندی شده است که «سامانه ارزشی»^۱ او را تشکیل می‌دهد. در واقع سامانه ارزشی فرد زمانی به دست می‌آید که ارزش‌های او براساس میزان اهمیت فهرست‌بندی شود (راینیز، ۱۳۸۳، ۲۷۲). سامانه ارزشی هر فرد ساختاری از اعتقادات عمیق اوست که به هسته هویتی او بسیار نزدیک است (Rokeach, 1973, 5).

دلیل اهمیت ارزش این است که «ارزش‌ها هدایتگر رفتار است». از آنجا که این ارزش‌ها به‌عنوان انگیزه و اهداف فرد به‌شمار می‌آیند، نگرش و رفتار افراد را تعیین می‌کنند (Schwartz, 1996) و ریشه هر کنشی از یک فرد در ارزش‌های او نهفته است (Schafer & Tait, 1986).

در خصوص مفهوم ارزش تعاریف معتبری در دوره معاصر صورت پذیرفته است، از این میان مطالعات و تعاریف «میلتون روکیچ»^۲ و «شالم شوارتز»^۳ توفیق بیشتری یافته است. روکیچ ارزش را به‌عنوان «باوری پایدار از یک وضعیت خاص رفتاری یا یک اظهار پایانی از یک موضوع یا رویداد فردی یا اجتماعی که به حالت مخالف آن ترجیح داده می‌شود»، معرفی می‌کند (Rokeach, 1973, 5 & 18; 1971, 453). او عقیده دارد ارزش یک نوع باور مرکزی در مجموعه باورهای فرد است و چگونگی باید یا نبایدهای رفتاری فرد را تعیین می‌کند. از سوی دیگر تلفیقی از تعاریف گذشته، پیش‌فرض تعریف شوارتز از مفهوم ارزش را شکل می‌دهد (Schwartz, 2006; 2012).

بحث ارزش‌ها و رابطه آن با رفتار موضوع حوزه روانشناسی اجتماعی است. اهمیت ارزش‌ها به‌عنوان هدایتگر رفتار باعث شده است که مطالعات ارزش در علوم و حوزه‌های مختلف مانند سیاست، اقتصاد، معماری و ... اهمیت بسیاری پیدا کند. به‌نظر می‌رسد در دهه ۱۹۷۰ میلادی توجه به ارزش‌ها به‌عنوان هدایتگر رفتار توسط الکساندر (Alexander, 1971) و جونز (Jones, 1977) وارد حوزه معماری شده و این ورود بحث ارزش، به‌صورت امروزی بی‌تأثیر از روانشناسی اجتماعی و اظهارات نظریه‌پردازانی همچون میلتون روکیچ نبوده است. الکساندر، در مقام طراحی پژوه، چند سال پس از نظریه روکیچ نظریه خود را بیان می‌کند. او به «ارزشی اصلی» در وجود انسان اعتقاد

دارد که بستر تمام مسائل فرد است و ریشه‌ای اصلی برای اعمال انسان به‌مثابه سازنده، هنرمند یا معمار فراهم می‌کند (Alexander & Protzen, 1980, 95). طراحی معماری فعالیتی انسانی، ذهنی، بنیادی، فردی و تعمیم‌ناپذیر است (Dorst, 1997, 65). شون، بوچرل^۴، واکنبرگ^۵ و دیگران به بررسی و توسعه این تئوری پرداخته‌اند (ibid.). براساس این نظریه، طراحی به‌شدت متأثر از ارزش‌هاست و عملی تأملی محسوب می‌شود.

در دو دهه اخیر نیز، تألیفات «برایان لاوسون» و «نایجل کراس»، به‌عنوان پژوهشگران خبرگی در طراحی، الگوهای طراحی توصیف‌شده از مطالعه خبرگان ارائه می‌دهند که تأثیر و جایگاه ارزش در طراحی را به‌نمایش می‌گذارند. در الگوی پنج‌مرحله‌ای لاوسون، اصطلاح تأمل کردن به‌عنوان یکی از مراحل پنج‌گانه، شامل تأمل در عمل، تأمل بر عمل و «اصول راهنما»^۶ است (لاوسون، ۱۳۹۲، ۳۷۶) و اصول راهنما شامل باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هاست (همان، ۲۰۱). بررسی مطالعات کراس نیز درباره طراحی برجسته نشان می‌دهد آنها اصول بنیادی در طراحی خود دارند که «اصول اولیه»^۷ نام دارد (Cross, 2006, 54). اصول راهنما در ادبیات لاوسون و اصول اولیه در ادبیات کراس در واقع همان ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های) طراحان است که طراحی از آنها تأثیر می‌پذیرد (Lawson, 2004, 60). بررسی خبرگان نیز نمایشگر ارزش‌مداری طراحی است.

دسته‌بندی‌هایی از ارزش‌ها توسط معماران صورت پذیرفته است. «سباستین لیرا»^۸ (Lera, 1980) ارزش‌ها را به ارزش‌های زیبایی، اجتماعی، زیست‌محیطی، سنت، اقتصادی، نوآوری، علمی و ریاضیاتی و ارزش‌هایی براساس جنسیت^۹ دسته‌بندی کرده است (ibid.). ارزش‌هایی همچون محیط زیست، ارزش‌های اجتماعی، زیبایی و ارزش‌های تاریخی در پژوهش‌های متعددی تکرار شده است^{۱۰} و این تقسیم‌بندی ارزش در معماری فراگیرتر و نزدیک‌تر به دسته‌بندی‌های حوزه اصلی این مفهوم یعنی روانشناسی اجتماعی است. اگرچه دسته‌بندی‌های دیگر نیز وجود دارد: «ایوار هولم»^{۱۱} ارزش‌های لیرا را در دو دسته درونی و بیرونی فهرست کرده است (Holm, 2006).

از سوی دیگر بسیاری از طراحان مبتدی و دانشجویان به‌دنبال فهم از چگونگی اندیشه، عمل و ارزش‌های طراحی طراحان خبره و حرفه‌ای هستند. شناسایی اندیشه و فعل طراحان موضوع عرصه «طراحی پژوهی» است. این عرصه عمری شش‌دهه‌ای دارد. ولی در دو دهه اخیر، شناسایی اندیشه و عمل «طراحان خبره» ضرورت بیشتری یافته است (لاوسون، ۱۳۹۲، ۸).

در پایان این بخش می‌توان گفت در این پژوهش،

مشهور بودن به عنوان طراح، وجود منابع مکتوب در خصوص آنها، کسب جوایز معماری و داوری جوایز معماری است. همه اعضای این جامعه سابقه داوری حرفه‌ای و کسب جوایز ملی یا بین‌المللی را دارند. جامعه نمونه این پژوهش ۲۰ نفر از طراحان حرفه‌ای جامعه معماری ایران^{۱۶} مطابق ملاک‌های مذکور است.

• شروع عملیات و نمونه‌گیری نظری

این پژوهش در یک فرایند زمانی سه‌ساله انجام شده است.^{۱۷} در این راستا ۲۰ طراح معماری از جامعه حرفه‌ای، براساس معیارهای مذکور و به روش نمونه‌گیری نظری مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به روش گردآوری، راهنمای مصاحبه براساس اهداف و سؤالات پژوهش، پس از دو مورد آزمون نمونه، در سه بخش «زندگی‌نامه»، «تجارب و مصادیق» و «مفهوم تجارب» با ۲۰ سؤال تدقیق شده است. با توجه به روش تحقیق، نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری نظری صورت پذیرفته است، «نمونه‌گیری نظری، بخشی جدایی‌ناپذیر از رویکرد نظریه داده‌بنیاد است» (Khan, 2014). این نمونه‌گیری به دنبال آن است که پژوهشگر به سراغ جاه‌ها، آدم‌ها و رویدادهایی برود که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و تا زمان اشباع‌پذیری، یعنی «نقطه‌ای در جریان شکل‌گیری مقوله‌ها که تحلیل بیشتر منجر به یافتن ویژگی جدید، ابعاد جدید یا روابط جدید نشود» (استراوس و کربین، ۱۳۹۵، ۱۶۵) ادامه یابد. در این راستا پس از هر مصاحبه، داده‌ها تحلیل شده و سپس نمونه بعدی با هدف یافتن نتایج متفاوت انتخاب شده است. در این پژوهش، از نمونه ۱۵ به بعد، مقوله‌ها تکرار شده است، یعنی نظریه به نقطه اشباع رسیده است، اما پژوهشگران برای اطمینان، تا نمونه ۲۰، مصاحبه‌ها را ادامه داده‌اند.

• کدگذاری باز

در فرایند تحلیل در ابتدا مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و با تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، کدهایی مشخص شده است. هر کد اولیه، درون متن مصاحبه، با خطی در زیر مشخص شده و حاوی معنایی است که در جدول ۱ به صورت عبارت معنایی یا کد ثانویه مشخص شده است. هر تعداد عبارت معنایی که هم‌سنخ بوده با عنوانی انتزاعی با نام مفهوم برجسب‌گذاری شده است. این مرحله منتج به یافتن ۳۵۸۵ کد اولیه، ۲۹۲۲ کد ثانویه و ۳۲۱ مفهوم شده است. سپس هر تعداد مفهومی که دارای سنخیت از لحاظ ابعاد و ویژگی هستند در زیر یک مقوله فرعی، که اصطلاحی انتزاعی‌تر از مفهوم است، دسته‌بندی شده‌اند. سپس مقوله‌های فرعی ذیل مقوله‌های اصلی که انتزاعی‌تر هستند، دسته‌بندی شده‌اند. ۲۳۱ مفهوم ذکر شده به ۴۹ مقوله فرعی تقلیل یافته و سپس

همانگ با روکیچ و شوارتز، ارزش‌ها به مثابه اصول راهنما، اولویت‌ها، مفاهیم مطلوب مرجح، ترجیحات، اهداف ترجیحی و انگیزش‌ها هستند که با اهمیت نسبی، توسط خود فرد منظم شده‌اند و سامانه ارزشی فرد را تشکیل داده‌اند. وجود این سامانه ارزشی نزد طراحان و هدایتگری آن در طراحی معماری هر طراح مفروض بوده و منطبق بر پارادایم «طراحی به مثابه عمل تأملی»^{۱۲} است که در تاریخ طراحی پژوهی در مقابل پارادایم «حل منطقی مسئله»^{۱۳} قرار گرفته است. این مقاله با این مفروضات با راهبرد نظریه داده‌بنیاد به دنبال شناسایی چارچوب ارزشی غالب نزد طراحان خبره جامعه معماری ایران است تا بتواند جوابگوی این سؤالات باشد که «ارزش‌های غالب طراحان خبره جامعه معماری ایران چیست؟ منشأ این ارزش‌ها چیست؟ و پارادایم ارزشی غالب این جامعه چگونه است؟» در ادامه ابتدا روش پژوهش و روش انجام و سپس یافته‌های پژوهش به صورت روایی و ترسیم پارادایم آمده است. نتیجه‌گیری پایان‌بخش مقاله است.

روش و مراحل پژوهش

• روش تحلیل

روش تحقیق‌های متفاوتی برای پژوهش‌های کیفی و بنیادی اینچینی وجود دارد، ولی از آنجا که در نظریه داده‌بنیاد، نظریه نهایی در داده‌ها بنیاد دارد، از نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و با آنها تطبیق داده شده است، تبیین بهتری ارائه می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۵). این نظریه شامل سه رویکرد است. رویکرد «نظام‌مند»^{۱۴} که با «استراوس و کربین» شناخته می‌شود در بین پژوهشگران مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (دانایی‌فر و امامی، ۱۳۸۶). این روش و این رویکرد روش تحلیل این پژوهش است.

• روش گردآوری داده‌ها

از آنجا که «مصاحبه می‌تواند عقاید، نگرش‌ها، ادراک و اطلاعات پس‌زمینه مانند دانش خبرگی، حقایق عمیق و توصیف فرایند را نمایان سازد» (Harrell & Bradley, 2009, 24) این روش به صورت عمیق و نیمه‌ساختاریافته^{۱۵} ابزار گردآوری داده‌های این مقاله است.

• جامعه نمونه

جامعه هدف این پژوهش طراحان حرفه‌ای معماری هستند، یعنی تحصیل کرده‌های معماری که طراحی «حرفه» اصلی آنهاست و به صورت مستمر در دو دهه اخیر به فعالیت در زمینه طراحی اشتغال داشته‌اند و فعالیت طراحی آنها در قالب نهادهایی مانند دفاتر شخصی یا مهندسی مشاور نهادینه شده است. بر این اساس ملاک‌های انتخاب این طراحان شهرت حرفه‌ای به معنای معروف بودن و

جدول ۱. تبدیل کدهای ثانویه به مفاهیم و سپس به مقوله‌های فرعی و تبدیل مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی و تعداد نقل قول‌ها. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	کدهای ثانویه (عبارات معنایی)	تعداد نقل قول	مفهوم	تعداد نقل قول	مقوله فرعی	تعداد نقل قول	مقوله اصلی			
۱	گفت‌وگو با همکلاسی‌ها	۸	گفت‌وگو با دانشجویان دیگر	۲۴	دانشجویان معماری دانشگاه	۷۱				
۲	هم‌فکری با دانشجویان دیگر	۱۶								
۳	گفت‌وگو با دانشجویان سال‌بالایی	۱۴								
۴	تأثیر آموزش سال‌بالایی‌ها	۲۱								
۵	تحقیق و گفت‌وگو با دوستان دانشکده	۴								
۶	کار گروهی با هم‌دانشکده‌ای‌ها	۸								
۷	یادگیری یک موضوع بنیادی، تحت تأثیر استاد	۲	اساتید دانشگاه	۱۲۱	اساتید دانشگاه	۱۲۱				
۸	تأثیر استاد در فهم اهمیت و گستردگی معماری	۴								
۹	دقیق‌بودن در معماری، تحت تأثیر آموزش استاد	۱								
۱۰	چندلایه‌بودن معماری، تحت تأثیر آموزش استاد	۲								
۱۱	یادگیری از اساتید	۶۷								
۱۲	وجود اساتید خوب	۱۴								
۱۳	تأثیر اساتید دانشگاه	۳۱								
۱۴	جو دانشکده	۳								
۱۵	اتمسفر موجود در دانشکده	۱								
۱۶	اقتناعی‌بودن ماهیت معماری، از تأثیرات محیط دانشگاه	۱								
۱۷	تأثیر محیط دانشگاه	۶								
۱۸	تأثیر سیستم دانشگاه	۶								
۱۹	یادگیری «به‌روبودن» از سیستم دانشگاه	۱								
۲۰	یادگیری معماری، تحت تأثیر سیستم یک دانشگاه	۱								
۲۱	آموزش، تحت تأثیر یک سیستم دانشگاهی	۲								
۲۲	تأثیر دانشگاه بر یادگیری و توانایی	۲	سیستم دانشگاه	۲۵	سیستم دانشگاه	۲۸				
۲۳	تأثیر زیاد دانشگاه بر توانایی من	۳								
۲۴	فهم اهمیت طراحی همراه پژوهش، تحت تأثیر دانشگاه	۱								
۲۵	تأثیر دانشگاه بر فهم من از اهمیت گفتمان	۱								
۲۶	تأثیر دانشگاه بر دانش من	۱								
۲۷	یادگیری از دانشگاه	۷								
۲۸	تأثیر سیستم مدارس معماری خارج از ایران	۳					سیستم دانشگاه خارج از ایران	۳		

به صورت مدل پارادایمی به تفکیک شرایط، راهبرد، پیامد در تصویر ۱ آمده است.

• مقوله هسته‌ای: آینده‌نگری زمینه‌گرا

ایده یا «پدیده اصلی» فرایند تحلیل داده‌ها در یک پژوهش است (Creswell, 2012). مقوله هسته‌ای در هر پژوهش عبارت یا فهرستی است که معرف پدیده اصلی پژوهش است. در این پژوهش، مقوله هسته‌ای معرف سامانه ارزشی غالب در جامعه مورد نظر است که با عبارت «آینده‌نگری زمینه‌گرا» معرفی شده است، یعنی ارزش‌های اصلی این جامعه را می‌توان با این عبارت معرفی کرد که به مثابه هدف، ترجیح و انگیزه غالب طراحان خیره جامعه معماری است. این مقوله هسته‌ای با سه مقوله فرعی تعریف می‌شود که شامل «آینده‌گرایی»، «معماری اثرگذار» و «منطقه‌گرایی» است. در ادامه تعریف این سه مقوله با هدف تشریح پدیده اصلی آمده است.^{۱۹}

- آینده‌گرایی

این مقوله در واقع حرکت به سمت آینده، نوگرایی و آینده‌گرایی در مقابل محافظه‌کاری را نمایش می‌دهد، جهانی شدن، توسعه، پیشگامی، پیشرفت و پیشبرد معماری را مطرح می‌کند و عامل حرکت و توسعه مرزهای معماری ارتقای معماری توسط خود معماری تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد این دیدگاه منطبق با دیدگاه «معماری پیشرو» در جهان معاصر غرب است. حرکت معماری به سوی آینده با ایجاد نوآوری، منطبق با دیدگاه‌های جهانی، توصیف‌گر این مقوله است. در این راستا می‌توان به این بخش از مصاحبه با طراحان استناد کرد:

«بی‌رودربایستی شما اون راه‌هایی که رفتی رو هیچ دوست نداری برگردی اون راه رو تکرار کنی، یعنی دنبال یه راه تازه می‌گردی که بتونی بگی آقا یه گام از اثر قبلی اومدم جلوتر» (قانعی، ۱۳۹۸).

«خیلی مسائل هست؛ اینکه بالاخره با جریان جهانی (در واقع) معماری سیر داری می‌کنی و مرتب حرکت می‌کنی، اینکه چه مسائلی در جهان مطرح می‌شه» (احمدی، ۱۳۹۷).

«بدیع بودن ایده برام مهمه، کپی نبودن ایده، چیزی که الان بی‌تعارف بگم، این کپی کردن نه فقط بین دانشجویهای ما، بلکه بین نخبگان ما هم شیوع داره» (شکوفی، ۱۳۹۶).

- معماری اثرگذار

علاوه بر موضوع آینده‌گرایی، برای طراحان اثرگذار بودن اثر معماری بر مسائلی همچون اقتصاد، اجتماع، شیوه زندگی، حتی ذائقه مردم و دیگر معماران اهمیت داشته و طراحان به دنبال رسیدن به آن هدف هستند. به صورت ماهوی رد پای «آینده‌نگری» در این مقوله محسوس است. استنادهایی در این زمینه آمده است.

مقوله‌های فرعی به ۱۵ مقوله اصلی تقلیل یافته است. در راستای درک بهتر از مراحل کدگذاری باز در جدول ۱، نحوه رسیدن از کدهای ثانویه به مقوله «دانشگاه» به عنوان مقوله اصلی ارائه شده است. کدهای ثانویه (بنگرید به جدول ۱) از ۲۳۱ کد اولیه به دست آمده است.

• کدگذاری محوری

مقوله‌های اصلی با مقوله‌های فرعی که این مقوله‌ها از آنها برخاسته است، ارتباط داده شده است، یعنی برای شناسایی جزئیات بیشتر فرایند معکوس آنچه تا حال انجام شده، رخ داده است و ارتباط مقوله‌های اصلی با مقوله‌های فرعی بررسی شده است. ابعاد و ویژگی‌های این مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی به صورت گزارش ثبت شده است. این مرحله کدگذاری محوری است که گزارش آن در قسمت یافته‌ها ارائه شده است.

• کدگذاری گزینشی

در این نوع کدگذاری چند اقدام صورت می‌پذیرد، اول اصلی‌ترین مقوله به عنوان مقوله هسته‌ای پروراند شده و بعد مقوله‌های دیگر به مقوله اصلی اضافه شده است، سپس خط سیر داستان استخراج شده است و پیش‌نظریه شکل گرفته و در چند مرحله، با حذف اضافات و پروراندن مقوله‌های ناقص، پالایش شده است. برای انجام مراحل کدگذاری از نرم‌افزار «مکس کیودا ۲۰۱۸»^{۱۸}، به عنوان نرم‌افزار تحلیل داده‌ها، استفاده شده است.

• پایایی و روایی

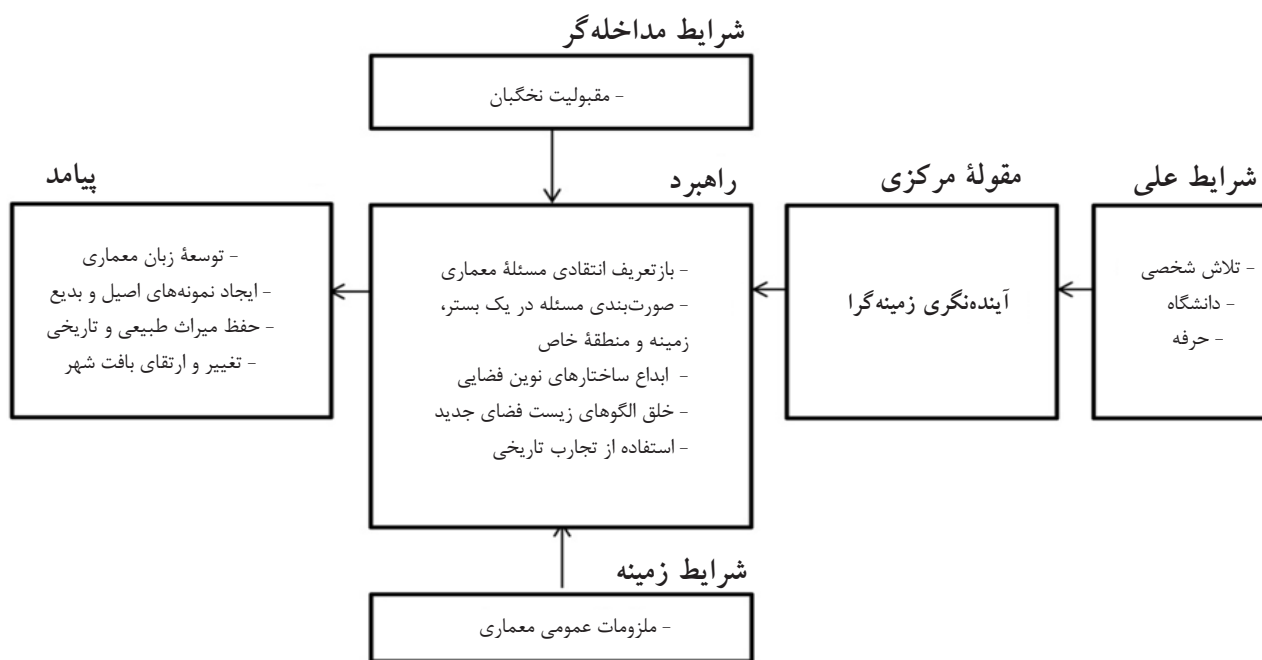
«پا در واقعیت داشتن» یافته‌ها و کفایت فرایند پژوهش عوامل اعتبار این روش است (استراوس و کربین، ۱۳۹۵، ۲۸۴) که روایی و پایایی پژوهش را نشان می‌دهد. در این راستا ۴ اقدام صورت پذیرفته است، اول تمام کدهای مستخرج از داده‌ها، در چند مرحله با نتیجه مقایسه شده است، در مرحله بعد دو استاد راهنما به همراه نگارنده اول به صورت جدا از هم سه نمونه از مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده‌اند تا نتایج را با یکدیگر مقایسه کنند، در مرحله بعد نظریه برای تمام افراد جامعه نمونه ارسال شده است، ۱۴ نفر از طراحان پاسخگو بوده و ۶ نفر از آنها نظراتی در راستای تغییر پارادایم ارائه داده‌اند، تحت تأثیر این اقدامات نتایج نهایی پروراند شده و علاوه بر این، در ارائه مقاله، نمونه‌هایی از نوع کدگذاری‌ها و مراحل رسیدن به مقوله‌ها ارائه شده تا خواننده بتواند فرایند را قضاوت کند، زیرا «کفایت فرایند پژوهش در این روش می‌تواند توسط خواننده‌های تحقیق قضاوت شود» (Corbin & Strauss, 1990).

یافته‌های پژوهش

فهرست مقوله‌های اصلی و فرعی پژوهش در جدول ۲ و

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی در قالب مؤلفه‌های پارادایمی. مأخذ: نگارندگان.

مقوله هسته‌ای	شرایط علی	شرایط زمینه‌ای	شرایط مداخله‌گر	کنش / راهبرد	پیامد
آینده‌نگری زمینه‌گرا	<ul style="list-style-type: none"> - تلاش شخصی: تمرین و تجربه طراحی، مطالعه، تجربه هنرهای دیگر - دانشگاه: دانشجویان معماری دانشگاه، محیط دانشگاه، اساتید دانشگاه، سیستم دانشگاه - حرفه: همکاران ماهرتر در گروه طراحی، همکاران خبره جامعه معماری، کار گروهی، همکاری با شرکت‌های بزرگ 	<ul style="list-style-type: none"> - ملزومات عمومی معماری: بررسی اقتصاد، تحلیل ضوابط، بررسی عملکرد، توجه به خواست کارفرما، بررسی نیازهای بهره‌بردار، زیبایی، توجه به هندسه، تأسیسات پروژه، سازه پروژه، مصالح، بهره‌گیری از تکنولوژی 	<ul style="list-style-type: none"> - مقبولیت نخبگان: کسب جایزه معماری، برنده شدن در مسابقه، چاپ آثار در مجلات، مقبولیت از سوی معماران دیگر، مقبولیت نزد طراح 	<ul style="list-style-type: none"> - بازتعریف انتقادی مسئله معماری: بازبینی موضوع‌ها، بازتعریف مسئله پروژه، ایجاد پرسش در مورد یک موضوع - ابداع ساختارهای نوین فضایی: ساختار جدید فضایی، نوآوری - صورت‌بندی مسئله در یک بستر، زمینه و منطقه خاص: توجه به بستر زمینه‌گرایی منطقه‌گرایی - استفاده از تجارب تاریخی: بهره‌گیری از معماری گذشته، بهره‌گیری از هنر گذشته، بهره‌گیری از فرهنگ گذشته - خلق الگوهای نوین زیست-فضا: ایجاد الگو 	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه زبان معماری: متمایز بودن فرم و فضا، نوآوری - ایجاد نمونه‌های اصیل و بدیع: شکل‌گیری فضای جدید و خلاقانه، تجربه جدید فضایی - حفظ میراث طبیعی و تاریخی: حفظ میراث طبیعی، حفظ میراث تاریخی - تغییر و ارتقای بافت شهر: زنده شدن فضاهای شهری، ارتقای سیمای شهری، ارتقای فضای شهری در تلفیق با طبیعت



تصویر ۱. پارادایم غالب بر خبرگان طراحی جامعه معماری ایران. مأخذ: نگارندگان.

است: شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای (Creswell, 2012).

- شرایط علی

به آن دسته از شرایطی که بر پدیده‌ها (مقوله هسته‌ای) اثر می‌گذارند شرایط علی یا سبب‌ساز گفته می‌شود (ibid.). شرایط علی یا سبب‌ساز سبب ایجاد مقوله هسته‌ای هستند. در واقع در این پژوهش «شرایط علی» معرف «منشأ ارزش‌های» طراحان هستند. این شرایط از سوی طراحان در وهله اول «تلاش شخصی» عنوان شده است، علاوه بر تلاش شخصی «دانشگاه» و «فعالیت در حرفه» موارد دیگر سبب‌ساز مقوله هسته‌ای هستند، برای مثال تحت تأثیر یک استاد یا یک سیستم در دانشگاه یک ارزش برای طراح شکل می‌گیرد، در ادامه این سه مقوله تشریح شده است:

- تلاش شخصی: اگرچه نمودهای متفاوتی برای تلاش شخصی وجود دارد، اما در این پژوهش این مقوله به صورت غالب در «تمرین و تجربه طراحی»، «مطالعه»، «تجربه در هنرهای دیگر» قابل پیگیری است که استنادهایی در این زمینه آمده است:

«حوزه معماری حوزه گسترده‌ایه. در مقطعی از زمان لازمه شما در هر بخش از این خرده تخصص‌ها کنجاو باشی، فعال باشی، تلاش کنی و تمرین بکنی، ولی برای ما که کار عملی کردیم، در کنار همه اینها می‌تونه مطالعه باشه، می‌تونه تجربه کردن باشه. خود فعل طراحی کردن خیلی مهمه» (مجیدی، ۱۳۹۷).

«می‌دونید من خودم نقاشی می‌کنم، یه مدت هم مجسمه‌سازی می‌کردم، به همین خاطر بهم می‌گن تو ترکیب‌ها رو خوب می‌فهمی» (رفیعی، ۱۳۹۸).

«برای من اصولاً معماری کردن یک نوع تمرین و یادگیری مدامه و همون زمان هم خوب مسابقات بین‌المللی شرکت می‌کردم و تمرین معماری من اصولاً از این طریق بوده» (بالازاده، ۱۳۹۸).

- دانشگاه: دانشگاه به‌عنوان عامل سبب‌ساز ارزش‌ها یا مقوله هسته‌ای شامل مقوله‌های «محیط و سیستم دانشگاه»، «اساتید» و «تأثیر دانشجویان دیگر» دانشگاه است که استنادهایی در ادامه آمده است:

«اونچه که من در دانشکده به‌دست آوردم همکار و دوسته. به‌نظرم تحقیق و گفت‌وگو با این همکاران پررنگه» (دباغ، ۱۳۹۶).

«کار گروهی چیزی بود که از ام‌آی‌تی یاد گرفتیم، تو تورنتو و بعد از اون هاروارد و بعد از اون ام‌آی‌تی یه چیزی یاد گرفتیم: اینکه متوجه شدم یه چیز وجود داره به اسم تفکر انتقادی» (نیان، ۱۳۹۶).

«طرح من به نیت این نبود که یه پروژه معماری شکل بگیره، برای این بود که با ذائقه مردم منطبق بشه تا مردم تکرارش کنن و بافت براساس اون شکل بگیره» (نیکبخت، ۱۳۹۶).

«دفتر ما چه در کاربری مسکونی چه در کاربری‌های عمومی سعی می‌کنه الگوهای جدید ارائه بده که بتونه نحوه زندگی رو ارتقا بده یا تجربیات آدم‌ها رو ارتقا بده و متفاوت بکنه» (ایلخانی، ۱۳۹۶).

«ما یه جور جنبة تأثیرگذاری روی آدم‌ها رو سعی می‌کنیم پررنگ کنیم. پس وقتی کسی وارد کار من می‌شه با یه دیدگاه دیگه‌ای برخورد می‌کنه. خب یه جور تأثیرگذاری روی اون آدم داره» (شکوهیان، ۱۳۹۸).

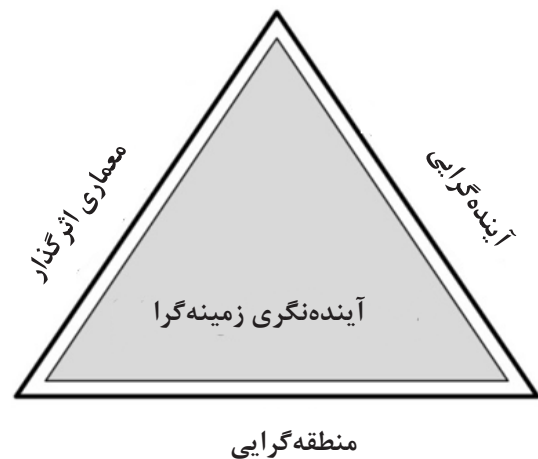
- منطقه‌گرایی

غالب این طراحان نگاهی به بستر، زمینه و منطقه دارند. به‌نظر می‌رسد پیشینه غنی تمدن و فرهنگ ایران موجب این موضوع است و بهانه بسیاری از تصمیمات در آثار این طراحان اصول مستخرج از پیشینه منطقه است. واژه «زمینه‌گرایی» در مقوله هسته‌ای نماینده تلخیص‌شده این مقوله است. بخشی از مصاحبه‌ها در این راستا ارائه شده است: «در اصل چون تو یه سرزمینی بزرگ شدی که این سرزمین شرایط خاصی داشته از لحاظ اقلیمی، شرایطش از لحاظ پوتنشیاال‌های^{۲۰} درونی‌ش یا هر چیز دیگه‌ای. بنابراین کنتکست^{۲۱} هم خیلی مهم بوده» (احمدی، ۱۳۹۷).

مقوله هسته‌ای در قالب مدل تصویر ۲ آمده است.

• شرایط

مجموعه رویدادهایی که سبب، موقعیت و مسائل مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند شرایط است. شرایط می‌تواند برخاسته از زمان، مکان، فرهنگ، قوانین، باورها و غیره باشد (استراوس و کریبن، ۱۳۹۵). این شرایط شامل سه دسته



تصویر ۲. مدل مقوله هسته‌ای و مؤلفه‌های آن. مأخذ: نگارندگان.

علی، مقوله هسته‌ای و راهبردهاست. در این پژوهش مقبولیت نخبگان همواره عامل تقویت یا تعدیل ارزش‌های طراحان جامعه است. برای مثال جایزه‌بردن یک پروژه یا چاپ‌شدن آن در یک نشریه عامل تأیید ارزش‌هایی است که پروژه براساس آن طرح شده است.

- مقبولیت نخبگان: مقبولیت نخبگان با نمودهای «کسب جایزه معماری»، «برنده‌شدن در مسابقه»، «چاپ آثار در مجلات»، «مقبولیت از سوی معماران دیگر» و «مقبولیت نزد طراح» ظهور یافته است، استندهایی در ادامه آمده است:

«آرکیتایزر^{۲۵} رو برده، آرکیتایزر ۲۰۱۶، یه دونه هم پول ویژن^{۲۶} بود توی فرانسه، اونجا هم این برنده شد» (رفیعی، ۱۳۹۸).
«خونه دریا بندری رو بین، برای اینه که توی مجلات معماری چاپ شده بود و توجه‌ها رو جلب کرده بود» (کلانتری طالقانی، ۱۳۹۸).

«چه جوری می‌تونه معماری کمک کنه که جامعه بهتر بشه و شما به‌عنوان طراح بتونین به انسانیت خودتون برسید و ما همه‌مون دنبال اونیم» (فیروز، ۱۳۹۷).

«در سال ۹۳ این پروژه در جایزه معماری چهارم شد، یعنی برگزیده شد، تقدیر شد و سال بعد در هنر و معماری دوم شد» (رفعت، ۱۳۹۸).

- کنش‌ها و راهبردها

اقدامات یا کنش و واکنش‌های خاص ناشی از پدیده اصلی است (Creswell, 2012). در این پژوهش در ۵ نمود ظاهر شده است. این مقوله‌ها راهبرد متأثر از ارزش‌های طراحان بوده و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای است، برای مثال یکی از نمودهای مقوله هسته‌ای که «نوآوری» است با راهبرد «ابداع ساختارهای نوین فضایی» شکل می‌گیرد.

- بازتعریف انتقادی مسئله معماری: این مقوله در سه مقوله فرعی «بازبینی موضوع‌ها»، «بازتعریف مسئله پروژه» و «ایجاد پرسش درمورد یک موضوع» ظهور یافته است. همواره خبرگان این جامعه مسئله کارفرما را بازتعریف می‌کنند، پروژه‌ها را به‌صورت نهادها دیده و منتقدانه به بدیهیات می‌نگرند و سطوح مختلف موضوعات را بازبینی می‌کنند. در ادامه استندهایی ارائه شده است:

«پنجره به خیابون چه مفهومی داره در جمهوری اسلامی؟ مثلاً چرا ما باید دستشویی رو در ورودی بذاریم؟ چرا درش باید در ورودی باشه؟» (فیروز، ۱۳۹۷).

«یک کتاب از ما چاپ می‌شه که توی این کتاب به این موضوع خیلی توجه می‌شه که موضوع دوباره تعریف کردن صورت مسئله و خلاقیت در ایجاد صورت مسئله خلاقانه در ابتدای پروژه هستش» (دباغ، ۱۳۹۶).

«بدون شک از کسایی که رو من اثر گذاشتن استادای من بودن که من زیر دست اونا بزرگ شدم» (فیروز، ۱۳۹۷).
- حرفه: حضور و فعالیت در حرفه عامل علی دیگری است که سبب‌ساز ارزش‌ها یا مقوله هسته‌ای است، نمودهای آن در «همکاران گروه طراحی» و «کار با ماهرترها»، «همکاران خیره جامعه معماری»، «کار گروهی» و «همکاری با شرکت‌های بزرگ» تشریح شده و استندهایی در ادامه آمده است:

«رامبد^{۲۳} یک معمار به معنای واقعیش. بنابراین تجربه شراکت با رامبد تو پروژه‌های حرفه‌ای رو من خیلی تأثیر گذاشت» (نیان، ۱۳۹۶).

«خب اونجا یه مهندسی مشاوره بود، قدر بود، کار شهرسازی، کار معماری و به‌رحال همه از نخبگان و این مشاور خیلی رو من تأثیرگذار بود» (نیکبخت، ۱۳۹۶).

«مثلاً پای تلفن من با محمد مجیدی یه چیزی درمورد دفترش می‌گه، من یه چیزی یاد می‌گیرم، رضا دانشمیر رو توی یه لکچر^{۲۴} می‌بینم، تأثیر می‌ذاره روم، به قضیه فکر می‌کنم» (نیان، ۱۳۹۶).

- شرایط زمینه‌ای

شرایط ویژه‌ای است که بر راهبردها تأثیرگذار است (Creswell, 2012). تلاقی شرایط علی و مداخله‌گر است و دامنه مقوله هسته در این زمینه تعیین می‌شود (استراوس و کریین، ۱۳۹۵). در واقع عاملی که مقوله هسته‌ای در آن متجلی می‌شود شرایط زمینه‌ای است. ملزومات عمومی معماری شرایط زمینه‌ای این پژوهش است، برای مثال نوع برخورد طراح با یک ضابطه (نمودی از شرایط زمینه) می‌تواند عاملی برای یک موضوع خلاقانه (نمودی از مقوله هسته‌ای) در پروژه باشد.

- ملزومات عمومی معماری: مقوله‌های فرعی شکل‌دهنده این مقوله توسط همه نمونه‌ها بیان شده و به‌عنوان الزام عمومی معرفی شده است، این مقوله در نمودهای «خواست کارفرما، اقتصاد پروژه، مسئله سازه، تأسیسات و ...» مطابق جدول ۲ قابل بیان است. استنادی در ادامه آمده است: «در بسیاری از پروژه‌های ما خود تحلیل و تفسیر ضوابطی که به‌نظر میاد خیلی دست‌وبال طراح رو می‌بنده، موضوعی بوده که تحلیل کردیم، سعی کردیم از توش یک ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی رو استخراج کنیم و همونو دستمایه کارمون قرار بدیم» (مجیدی، ۱۳۹۷).

- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایط علی را تعدیل می‌کند یا تغییر می‌دهد (استراوس و کریین، ۱۳۹۵) و بر راهبردها تأثیرگذار است (Creswell, 2012). شرایط مداخله‌گر این پژوهش مقبولیت نخبگان است، یعنی عامل تقویت یا تغییر شرایط

بعضی‌ها حتی ممکنه تو قالبیافی باشه، تو پارچه باشه، تو تذهیب و اینها، خیلی کمک می‌کنه» (نیکبخت، ۱۳۹۶).

- پیامدها

پیامدها نتایج حاصل از راهبردهاست (Creswell, 2012). در این پژوهش پیامدها در ۴ دسته ارائه شده است. در واقع راهبردهای حاصل از مقوله هسته‌ای طراحان پیامدهایی را به دنبال داشته است، برای مثال حاصل راهبرد ابداع ساختارهای نوین فضایی، پیامدی همچون توسعه زبان معماری است.

- توسعه زبان معماری: این مقوله در نمود متمایز بودن فرم و فضا ارائه شده است. استناد آن چنین است: «خلق اتفاق فضایی یعنی به اتفاقی بیفته به تفاوتی ایجاد کنه، می‌تونیم بگیریم تفاوت، تفاوت فضایی، منحصربه‌فرد بودن اون اتفاق فضایی. آهان این واژه بهتره: منحصربه‌فرد، منحصربه‌فرد بودن اون اتفاق فضایی که از دل خلایقیت میاد بیرون» (شکوفی، ۱۳۹۶).

- ایجاد نمونه‌های اصیل و بدیع: این مقوله را می‌توان در شکل‌گیری فضای جدید و خلاقانه و تجربه جدید فضایی دسته‌بندی کرد که استناد آن چنین است: «این فضا رو که تولید کردم، موضوع رو به‌عنوان نهاد بازبینی کردم و اینها همه‌شون یک ماهیت اکسپریمنتال^{۲۸} دارن، تجربه‌گران» (نییان، ۱۳۹۶).

- تغییر و ارتقای بافت شهر: این مقوله اصلی در مقولات «پویاشدن شهر»، «ارتقای سیمای شهری» و «ارتقای فضای شهری در تلفیق با طبیعت» قابل توصیف است. دو استناد مربوط به این مقوله چنین است:

«یک فضای شهریه، در واقع فضای باز عمومی شهری مناسب به شهر اضافه می‌کرد» (شکوفی، ۱۳۹۶).

«به‌جز فضای جنوبی، که در هر صورت فضای سبزه، بین دو تا ساختمانها هم فضای سبزه تا مشترک اون دوتا واحد باشه تا اون هم‌زیستی رو به‌وجود بیاریم» (فیروز، ۱۳۹۷).

- حفظ میراث طبیعی و تاریخی: این مقوله در دو مقوله فرعی «حفظ میراث تاریخی» و «حفظ میراث طبیعی» قابل بررسی است. چند استناد مربوط به این مقوله در ادامه می‌آید:

«وقتی می‌بینم میراث فرهنگی داره از بین می‌ره، تو دلم! بعضاً هم تو سخنرانی‌ها یه جایی نگرانیم رو می‌گم. خلاصه ما در اون پروژه بعد از ۵۰ سال یک آجری که متروک مونده رو بود رو دوباره احیا کردیم» (نیکبخت، ۱۳۹۶).

«هدف این بود که بعد از اینکه این گابیون‌ها باز می‌شه، این سنگ‌ها برگردن به محل، چون محیط رو آلوده نمی‌کنه» (خزائلی پارسا، ۱۳۹۸).

«فرش فیلم یک فضاییه توی شهر که بازیافت شده. هم برای

«وقتی که این قطعات شهرک ویلایی، به رنج میانگین ۲۵۰ متر رسیده، عملاً این کوشک‌ها با یک فاصله خیلی کم کنار هم قرار گرفتن و پروژه ما سعی می‌کنه در مقیاس شهرسازی به این مسئله ایراد بگیره» (حسینی، ۱۳۹۸).

- ابداع ساختارهای نوین فضایی: این مقوله در دو مقوله فرعی قابل دسته‌بندی است؛ «ساختار جدید فضایی» و «نوآوری» که استنادهایی در ادامه آمده است: «ما یک نوع خاصی از رَمپ رو معرفی کردیم، یک رَمپ مواج هست به‌صورت اس‌شکل^{۲۷}، اگر نگاه کنی، دستاورد مدرنیزم دو نوع رَمپ هستش: یکی رَمپ ویلا ساوا هست و یه رَمپ موزة گوگنهایم، ما اینجا یک رَمپ اس‌مانند ماریچی رو معرفی کردیم» (دانشمیر، ۱۳۹۶).

- خلق الگوهای نوین زیست-فضا: این مقوله به دنبال «ایجاد الگو» است. یکی از راهبردهای این طراحان تلاش برای الگوشدن آثارشان نزد دیگر معماران حرفه‌ای، طراحان سطوح پایین‌تر و حتی مردم است. «تو اون پروژه به دنبال این نبودم که یک اثر معماری طراحی کنم؛ به دنبال این بودم که نطفه یک بافت رو طراحی کنم، یعنی بشه تولید کرد از روش و بشه بافت و بشه یک جداره» (نیکبخت، ۱۳۹۶).

- صورت‌بندی مسئله در یک بستر، زمینه و منطقه خاص: این مقوله با مقوله‌های فرعی «توجه به بستر»، «زمینه‌گرایی» و «منطقه‌گرایی» قابل توصیف است. در ادامه می‌توان به دو استناد توجه کرد:

«پروژه برای من از ظرفیت‌هاش و رابطه‌ش با زمین شروع می‌شه و معمولاً وقتی رابطه یه پروژه رو با زمین می‌فهمم موضوع زیادی از پروژه برام روشن شده» (مجیدی، ۱۳۹۷).

«هوشمندی که در ساخت اون دیوار بود این بود که قشنگ درخت‌ها رو کادر می‌کرد، جزئی از محیط اونجا بود. این خونه صفا داشت کرج هم توش رو ببینن، داره با محیطش کار می‌کنه» (حیرتی، ۱۳۹۸).

«تو پروژه برج امام رضا، دیدم اون ایده فضای تهی منطبقه با نور و تاریکی در گفته‌های سهروردی» (رفیعی، ۱۳۹۸).

- استفاده از تجارب تاریخی: این راهبرد در مقوله فرعی «بهره‌گیری از فرهنگ، معماری و هنر گذشته» قابل تفسیر است. استناد این مسئله در متن بدین‌صورت است:

«فرهنگ و تمدن دوران اسلامی جهت‌گیری کار هنری و معماری من رو ایجاد کرده» (نقره‌کار، ۱۳۹۷).

«تو ایران ما با خاک زندگی کردیم. اصولاً در فلات ایران، معماری زمین‌مداره، شما نود درصد معماریای زیرزمینی خونه‌های یزد رو نگاه بکن، نمی‌دونم قاجار تهران رو نگاه بکن، همین اواخر قاجار» (احمدی، ۱۳۹۷).

«از نقش مایه‌ها و کهن‌الگوها و موتیف‌هایی استفاده می‌کنم،

این‌گونه بیان کرد که فرایندهای مؤثر «مطالعه، تمرین و تجربه طراحی، گفت‌وگو، مشاهده و استماع» در «محیط‌های دانشگاه، محیط کارآموزی و محیط کار حرفه‌ای» تحت تأثیر عوامل مؤثر «اساتید، طراحان ماهر در صنف، طراحان گروه کاری و طراحان ماهرتر» شکل‌دهنده ارزش‌های این جامعه هستند.

از سوی دیگر و به‌طور کلی کسب مقبولیت طراحان جامعه و آثارشان درگروی توجه به این ارزش‌ها، به‌خصوص نمودهای ارزش نوآوری است، زیرا اعضای این جامعه خود تعیین‌کننده وقایع مهم معماری هستند و ارزیابی ژورنال‌ها و مجلات، تشکیل و تشکل محافل علمی وابسته به موضوع طراحی، داوری جوایز و ارزیابی مسابقات توسط این طراحان صورت می‌پذیرد. این موضوع تحت عنوان «مقبولیت نخبگان» و به‌عنوان عامل مداخله‌گر، تقویت‌کننده این نگاه ارزشی و راهبردهای استفاده‌شده برای دستیابی به این ارزش‌ها معرفی شده است. به‌نظر می‌رسد مقبولیت نزد نخبگان، نسبت به عام مردم، برای این طراحان اهمیت بیشتری دارد و خوشایند این افراد برنده‌شدن در مسابقه و کسب جوایز، چاپ آثار در مجلات و مقبولیت نزد طراحان خبره دیگر و پذیرفته‌شدن شخصیت طراحی آنها از سوی مجامع علمی و طراحی است تا رضایت بهره‌بردار، مخاطب و مردم. آثاری که واجد این ارزش‌ها هستند حائز مقبولیت نسبی در جامعه شده و دیگر طراحان جامعه و مبتدیان را به این سمت سوق می‌دهد.

یافته‌ها نشان می‌دهد ارزش‌های شکل‌گرفته و راهبردهای استفاده‌شده برای دستیابی به این ارزش‌ها در زمینه «ملزومات عمومی معماری» نمود می‌یابد، یعنی هندسه، اقتصاد، خواست کارفرما، توجه به بهره‌بردار، تحلیل ضوابط، سازه، تأسیسات، مصالح، بهره‌گیری از تکنولوژی و غیره به‌عنوان عامل، زمینه و بستر دستیابی به ارزش‌ها عمل می‌کنند و ارزش‌هایی همچون نوآوری یا ارزش‌های زیست‌محیطی در این موضوعات نمود می‌یابد.

ارزش‌های غالب درکنش طراحی این طراحان راهبردهای بازتعریف انتقادی مسئله پروژه، ابداع ساختارهای نوین فضایی، صورت‌بندی مسئله در یک بستر، زمینه و منطقه خاص، استفاده از تجارب تاریخی و خلق الگوهای نوین زیست-فضا را منجر می‌شود. پیامد این ارزش‌ها و این راهبردها توسعه زبان معماری، تغییر یا ارتقای بافت شهری، به‌وجودآمدن نمونه‌های اصیل و بدیع و حفظ میراث تاریخی و طبیعی است. در پایان این پژوهش ادعا ندارد که تمام نگاه‌های جامعه طراحان را معرفی کرده، بلکه بیان می‌کند که تنها نگاه غالب طراحان جامعه مورد نظر را معرفی کرده است.

بازیافت‌کردنش از ری‌اپروپیت‌کردن^{۲۹}؛ یعنی اون چیزی که وجود داره رو یک تغییر کوچیکی دادیم، ولی به اون چیزی تبدیلش کردیم که می‌خواستیم یا برنامه می‌خواست. بعد برای اینکه مصالح اضافه کنیم، رفتیم سایت‌های بازیافت مصالح ساختمانی رو پیدا کردیم اطراف تهران» (قدوسی، ۱۳۹۸).

در پایان مقولات اصلی را می‌توان در مدل پارادایمی مطابق با تصویر ۱ ارائه کرد.

نتیجه‌گیری

نمود خلاصه‌شده مجموعه ارزش‌های خبرگان طراحی جامعه معماری ایران با عبارت «آینده‌نگری زمینه‌گرا» معرفی می‌شود. این عبارت نماینده و تلخیصی از ارزش‌های جامعه مورد مطالعه بوده و جامعه مورد نظر همواره به‌مثابه هدف، ترجیح و انگیزه به‌دنبال این مقوله است. آینده‌نگری زمینه‌گرا در قالب سه مؤلفه آینده‌گرایی، معماری اثرگذار و منطقه‌گرایی قابل تشریح است. آینده‌گرایی با مفاهیمی همچون پیشبرد معماری، جهانی‌شدن، نوآوری، نوگرایی، توجه به آینده، پیشگامی، پیشروبودن، ارتقای معماری و توسعه مرزهای معماری توسط خود معماری در مقابل محافظه‌کاری تشریح می‌شود. معماری اثرگذار به معنای تأثیر معماری بر تمام جنبه‌ها از جمله مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، معماری، شهر و محیط بوده و منطقه‌گرایی به معنای توجه به بستر، زمینه و منطقه است. این آینده‌نگری و حرکت روبه‌جلو افراطی نیست و همواره نگاهی به زمینه و منطقه دارد. الگوشدن آثار، خلق ساختارهای جدید و قابل تکرار بودن این ساختارهای جدید نیز برای این طراحان اهمیت دارد.

این مقوله‌ها ارزش‌های طراحان بوده و به‌مثابه هدف، انگیزه و ترجیح طراحان است که در دسته ارزش‌های «نوآوری، زیست‌محیطی، تاریخ و سنت و ارزش‌های اجتماعی» قابل شناسایی است. در واقع یافته‌ها نشان می‌دهد گونه ارزشی اصلی و غالب جامعه معماری ایران «نوآوری» است و ارزش‌های «زیست‌محیطی، تاریخ و سنت و ارزش‌های اجتماعی» در مراحل بعد، برای طراحان خبره جامعه معماری ایران اهمیت دارد. این ارزش‌ها تحت تأثیر «تلاش شخصی»، «دانشگاه» و فعالیت در «حرفه» شکل گرفته‌اند و تأثیرگذارترین منشأ یا عوامل سبب‌ساز این ارزش‌ها عوامل مذکور هستند.

با تبدیل این مقوله‌ها به مفاهیم تشکیل‌دهنده خود، می‌توان منشأ این ارزش‌ها را در سه دسته «فرایند مؤثر بر شکل‌گیری ارزش‌ها»، «محیط شکل‌گیری ارزش‌ها» و «عامل شکل‌دهنده ارزش‌ها» دسته‌بندی کرد و می‌توان

پی نوشت

۱. Values system

۲. Milton Rokeach

۳. Shalom Schwartz

۴. Bucciarelli

۵. Valkenburg

۶. Guiding principles

۷. First principles

۸. Sebastian G Lera

۹. به نظر می‌رسد در دههٔ انجام پژوهش جنبش‌های فمینیستی بسیاری فعال بوده است و این ارزش تحت تأثیر آن پررنگ شده است.

۱۰. می‌توان به کتاب امین‌زاده ۱۳۹۴ و Thompson, 2000 اشاره کرد.

۱۱. Ivar Holm

۱۲. Design as reflective practice

۱۳. Design as rational Problem Solving

۱۴. Systematic

۱۵. Semi-structured interview

۱۶. این طراحان به ترتیب تاریخ مصاحبه از نمونهٔ اول شماره‌گذاری شده‌اند و اسامی آنها به این شرح است: کوروش دباغ، بابک شکوفی، نشید نبیان، محمدرضا نیکبخت، رامبد ایلخانی، رضا دانشمیر، محمد مجیدی، فیروز فیروز، فرهاد احمدی، عبدالحمید نقره‌کار، کوروش رفیعی، ایرج کلانتری طالقانی، هومن بالازاده، پویا خزائلی پارسا، بهرام شکوهیان، محمدرضا قانع، احسان حسینی، محمدرضا قدوسی، کامران حیرتی و سهراب رفعت.

۱۷. علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای ادبیات موضوع، این پژوهش اولین مصاحبه خود را در ۱۳۹۶/۶/۱۷ انجام داده است و به‌صورت متوالی تا ۱۳۹۸/۹/۱۹ ادامه داشته است.

۱۸. Maxqda, 2018

۱۹. یافته‌ها نشان می‌دهد آینده‌نگرترین طراح جامعهٔ مورد مطالعه نگاهی به منطقه و زمینهٔ طراحی و تجارب تاریخی زمینه دارد و زمینه‌گرا یا تاریخ‌گراترین طراح نیز همواره نمی‌خواهد معماری گذشته را تکرار کند و به‌دنبال آن است که پروژهٔ خود یا معماری را یک گام به جلو ببرد.

۲۰. potential

۲۱. context

۲۲. M.I.T

۲۳. نام کوچک همکار و شریک

۲۴. lecture

۲۵. Architizer

۲۶. Pool Vision

۲۷. S نوزدهمین حرف الفبای انگلیسی.

۲۸. experimental

۲۹. reappropriate

فهرست منابع

- احمدی، فرهاد. (۱۳۹۷). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- استراوس، انسلیم و کربین، جولیت. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریهٔ زمینه‌ای (ترجمهٔ ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۴). ارزش‌ها در طراحی منظر شهری: پایداری، زیبایی و هویت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ایلخانی، رامبد. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- بالازاده، هومن. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- حسینی، احسان. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. اصفهان.
- حیرتی، کامران. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- خزائلی پارسا، پویا. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. کرمانشاه.
- دانایی‌فر، حسن و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشهٔ مدیریت، ۱(۲)، ۶۹-۹۷.

- دانشمیر، رضا. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- دباغ، کوروش. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- رایبیز، استیفن پی. (۱۳۸۳). رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه‌ها، کاربردها (ترجمهٔ علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رفعت، سهراب. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- رفیعی، کوروش. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- سیدمن، اروینگ. (۱۳۹۵). مصاحبه به‌عنوان یک روش پژوهش کیفی (ترجمهٔ سیدعلی کوشازاده، علیرضا جابری و سارا حسینی ارنی). تهران: انتشارات مهکامه .
- شکوفی، بابک. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- شکوهیان، بهرام. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- فیروز، فیروز. (۱۳۹۷). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- قانع، محمدرضا. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. اصفهان.
- قدوسی، محمدرضا. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- کلانتری طالقانی، ایرج. (۱۳۹۸). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- لائوسون، برایان. (۱۳۹۲). طراحان چگونه می‌اندیشند، ابهام‌زدایی از فرایند طراحی (ترجمهٔ حمید ندیمی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مجیدی، محمد. (۱۳۹۷). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- نبیان، نشید. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۷). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- نیکبخت، محمدرضا. (۱۳۹۶). مصاحبه با کیومرث سیفی. تهران.
- Alexander, C. (1971). The state of the art in design methods. In N. Cross (Ed.), *Developments in Design Methodology*. Chichester: Wiley.
- Alexander, C. & Protzen, P. J. (1980). Value in design: a dialogue. *Design Studies*, 1(6), 291-298.
- Creswell, J. W. (2012). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Cross, N. (2006). *Designerly Ways of Knowing*. London: Springer.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: procedures, canons and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13(1), 3-21.
- Dorst, K. (1997). *Describing design: a comparison of paradigms* (Unpublished doctoral dissertation). Delft University of Technology, Delft, Netherlands.
- Harrell, M. C. & Bradley, M. A. (2009). *Data collection methods, semi-structured interviews and focus groups* (RAND Corporation technical report series). Santa Monica.
- Holm, I. (2006). *Ideas and beliefs in architecture and industrial design: how attitudes, orientations, and underlying assumptions shape the built environment* (Unpublished doctoral dissertation). Oslo School of Architecture and Design, Oslo, Norway.
- Jones, J. C. (1977). How my thoughts about about desin methodes have changed over the years. In N. Cross (Ed.) *Developments in Design Methodology*. Chichester: Wiley.

- Khan, Sh. N. (2014). Qualitative research method: grounded theory. *International Journal of Business and Management*, 9(11), 224-233.
- Lawson, B. (2004). *What Designers Know*. London: Architectural Press.
- Lera, S. G. (1980). *Designer's values and the evaluation of designs* (Unpublished doctoral dissertation). Department of Design Research. Royal College of Art, London.
- Meinert, R. G. (1980). Values in social work called dysfunctional myth. *Journal of Social Welfare*, 6(3), 5-16.
- Rokeach, M. (1971). Long-Range experimental modification of values, attitude and behavior. *American Psychologist*, 26(5), 453-459.
- Rokeach, M. (1973). *The Nature of Human Values*. New York: Free Press.
- Schafer, R. B. & Tait, J. L. (1986). *A guide for understanding attitudes and attitude change*. Retrieved 4 July 2016, from <http://www.soc.iastate.edu/extension/presentations/publications/comm/NCR138.pdf>.
- Schwartz, S. H. (1996). Value priorities and behavior: Applying a theory of integrated value systems. In C. Seligman, J. M. Olson & M. P. Zanna (Eds.), *The Psychology of Values: The Ontario Symposium* (pp. 1-24). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Schwartz, S. H. (2006). *Basic human values: Theory, measurement, and applications*. Retrieved from <http://segrdid2.fmag.unict.it/Allegati/convegno%207-8-10-05/Schwartzpaper.pdf>
- Schwartz, S. H. (2012). An overview of the schwartz theory of basic values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), Retrieved July 4, 2016, from <http://dx.doi.org/10.9707/23070919.1116>
- Thompson, I. H. (2000). *Ecology, Community and Delight: Sources of Values in Landscape Architecture*. London; New York: E & FN Spon.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

سیفی، کیومرث؛ طلیسچی، غلامرضا و دژدار امید. (۱۳۹۹). تبیین ارزش‌های خبرگان طراحی جامعه معماری ایران. *باغ نظر*، ۱۷(۹۳)، ۲۳-۳۴.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.221468.4474
 URL: http://www.bagh-sj.com/article_123115.html

